

بخش چهارم

# آموزه شخصیت و کارهای مسیح



# نامها و طبیعت‌های مسیح

## ۱- نامهای مسیح

مهم‌ترین اسامی مسیح عبارتند از:

### عیسی

شکل اصلی این نام در زبان عبری، یوشع، يَهُوشَع یا يֵשׁוּעַ می‌باشد (یوشع ۱:۱، زکریا ۳:۱، عزرا ۲:۲) می‌باشد که از لغت عبری به معنای «نجات دادن» مشتق گردیده، مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده معرفی می‌کند (متی ۱:۲۱). در عهدعتیق یوشع پسر نون و یوشع پسر یوصاداق (عزرا ۳:۲) به‌عنوان دو نمونه و نماد از مسیح، این نام را بر خود داشته‌اند.

### مسیح

شکل اصلی این نام در زبان عبری «ماشیح» می‌باشد و به معنی «مسح شده» است. بر اساس عهدعتیق، انبیا (اول پادشاهان ۱۶:۱۹) کاهنان (خروج ۷:۲۹) و پادشاهان (اول سموئیل ۱۰:۱) باروغن که نماد و نشانه‌ای از روح‌القدس است، مسح می‌گردیدند. به‌وسیله این مسح آنها برای وظیفه

خاص خود جدا شده، برای آن واجد شرایط می‌گشتند. مسیح نیز به وسیله روح‌القدس برای وظیفهٔ سه‌گانهٔ خود در مقام نبی، کاهن، و پادشاه مسح گردید. از نظر تاریخی این مسح در زمان بسته شدن نطفهٔ او به وسیله روح‌القدس در رحم مریم و در زمانی که به وسیله یحیی تعمید آب گرفت، صورت پذیرفت.

### پسر انسان

این عنوان که برای مسیح به کار می‌رود، از دانیال ۱۳:۷ اقتباس شده است. این عنوانی است که مسیح عموماً برای خود به کار می‌برد، اگرچه دیگران به ندرت از آن استفاده می‌کردند. هر چند این نام اشاره‌ای به انسانیت عیسی می‌کند، اما در پرتو منشأ تاریخی آن، این نام بیشتر به ماهیت فوق طبیعی و بازگشت مسیح از آسمان با ابرها و در جلال و عظمت، اشاره می‌نماید (دانیال ۱۳:۷؛ متی ۲۷:۱۶، ۲۸؛ لوقا ۲۶:۶۴؛ لوقا ۲۱:۲۷).

### پسر خدا

مسیح در بیش از یک جنبه «پسر خدا» نامیده شده است. او پسر خدا نامیده شده است، چون شخصیت دوم تثلیث می‌باشد و در نتیجه خودش خدا است (متی ۱۱:۲۷)؛ از طرف دیگر همان ماشیح برگزیده است (متی ۲۴:۳۶)؛ و بالاخره اینکه تولد او در نتیجه عملکرد فوق طبیعی روح‌القدس بود (لوقا ۱:۳۵).

### خداوند

معاصران عیسی گاهی اوقات برای ادای احترام به هنگام مخاطب قرار دادن او، از این عنوان برای او استفاده می‌کردند، دقیقاً به همان صورتی که

ما امروزه لغت «آقا» را به کار می‌بریم. در واقع به‌طور خاص بعد از قیام مسیح از مردگان بود که این نام معنای عمیق‌تری پیدا کرد. در بعضی از قسمت‌ها این نام به مسیح به‌عنوان مالک و حاکم بر کلیسا اشاره می‌کند (رومیان ۱:۷؛ افسسیان ۱:۱۷)؛ و در سایر موارد در اصل برای نام خدا به کار برده شده است (اول قرنتیان ۷:۳۴؛ فیلیپیان ۴:۴، ۵).

## ۲- طبیعت‌های مسیح

کتاب مقدس مسیح را شخصی معرفی می‌کند که دارای دو طبیعت است، یکی الهی و دیگری انسانی. این بزرگترین راز دینداری است، یعنی اینکه خدا در جسم ظاهر شد (اول تیموتاؤس ۳:۱۶).

### دو طبیعت

از این جهت که بسیاری امروزه الوهیت مسیح را رد می‌نمایند، ضروری است که بر دلایل و شواهد کتاب مقدسی برای اثبات آن تأکید کنیم. بعضی از قسمت‌های عهدعتیق از قبیل اشعیا ۹:۶؛ ارمیا ۲۳:۶؛ میکاه ۵:۲ و ملاکی ۱:۳ آشکارا بر این امر اشاره می‌کنند. دلایل و شواهد در عهدجدید بسیار زیادتر می‌باشد (متی ۱۱:۲۷؛ ۱۶:۱۶؛ ۲۶:۶۳، ۶۴؛ یوحنا ۱:۱، ۱۸؛ رومیان ۵:۹؛ اول قرنتیان ۸:۲؛ دوم قرنتیان ۵:۱۰؛ فیلیپیان ۲:۶؛ کولسیان ۲:۹؛ عبرانیان ۱:۱-۳؛ مکاشفه ۱۹:۱۶). انسانیت مسیح مورد سؤال قرار نگرفته است. در حقیقت تنها الوهیتی که بسیاری هنوز به او نسبت می‌دهند، انسانیت کامل اوست. شواهد بسیاری برای اثبات انسانیت عیسی وجود دارد. او از خود به‌عنوان یک انسان سخن گفت (یوحنا ۸:۴۰)؛ دیگران نیز او را چنین می‌نامیدند (اعمال ۲:۲۲؛ رومیان ۵:۱۵؛ اول قرنتیان ۱۵:۲۱). او اجزای ضروری طبیعت انسانی، یعنی جسم و روح را دارا بود (متی ۲۶:۲۶، ۳۸؛ لوقا ۲۴:۳۹؛ عبرانیان ۲:۱۴). علاوه بر این، قوانین

طبیعی رشد انسانی (لوقا ۲: ۴۰، ۵۲)، نیازهای آنها و رنج کشیدن (متی ۲: ۴؛ ۲۴: ۸؛ لوقا ۲۲: ۴۴؛ یوحنا ۴: ۶؛ ۱۱: ۳۵؛ ۱۲: ۲۷؛ عبرانیان ۲: ۱۰، ۱۸؛ ۷: ۵، ۸) در مورد او صدق می‌کرد. اما او گرچه یک انسان واقعی بود، اما کاملاً بی‌گناه بود. او نه گناه کرد و نه می‌توانست مرتکب گناه گردد (یوحنا ۸: ۴۶؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ ۹: ۱۴؛ اول پطرس ۲: ۲۲؛ اول یوحنا ۳: ۵). این امر کاملاً ضرورت داشت که مسیح هم خدا باشد و هم انسان. او فقط به‌عنوان یک انسان می‌توانست جانشین ما بوده، درد بکشد و بمیرد؛ و فقط به‌عنوان یک انسان بی‌گناه می‌توانست گناهان دیگران را کفاره کند. همچنین او فقط به‌عنوان خدا می‌توانست به قربانی خود ارزشی بی‌نهایت ببخشد و خشم خدا را متحمل گردد تا دیگران را از آن رهایی بخشد (مزمور ۷: ۴۰-۱۰؛ ۱۳۰: ۳).

### اتحاد دو طبیعت در یک شخص

مسیح دارای طبیعت انسانی است، اما او شخص انسانی نیست. شخص میانجی، پسر تغییرناپذیر خداست. در تجسم، او نه به یک شخص انسانی تبدیل شد و نه شخص انسانی اختیار کرد. به بیانی ساده، او علاوه بر طبیعت الهی خویش، طبیعت انسانی بر خویش گرفت، طبیعتی که به یک شخصیت مستقل انسانی تبدیل نگشت، بلکه در شخص پسر خدا، واجد شخصیت گردید. شخص میانجی، پس از گرفتن طبیعت انسانی، دیگر فقط الهی نیست بلکه الهی-انسانی است؛ او اکنون خدا-انسان است و تمام خصوصیات و ویژگی‌های هر دو طبیعت انسانی و الهی را دارا می‌باشد. او هم دارای ضمیر الهی است و هم انسانی، درست به همان صورتی که دارای اراده انسانی و الهی می‌باشد. این رازی است که ما قادر به درک آن نیستیم. کتاب مقدس به وضوح به اتحاد شخصیت مسیح اشاره می‌نماید. در او همیشه یک شخص سخن می‌گوید، خواه ذهنی که سخن را بیان می‌کند

انسانی باشد خواه الهی (یوحنا ۱۰:۳۰؛ ۵:۱۷، مقایسه کنید با متی ۲۷:۴۶؛ یوحنا ۱۹:۲۸). صفات و اعمال انسانی بعضی مواقع به «آن شخص» که با یک عنوان الهی مشخص شده است، نسبت داده می‌شود (اعمال ۲۸:۲۰؛ اول قرنتیان ۸:۲؛ کولسیان ۱:۱۳، ۱۴)؛ و در مواقع دیگر صفات و اعمال الهی به «آن شخص» که با یک عنوان انسانی مشخص شده است، نسبت داده می‌شود (یوحنا ۳:۱۳؛ ۶:۶۲؛ رومیان ۵:۹).

### برخی عقاید غلط دربارهٔ این آموزه

آلوهیها و ایونی‌ها در کلیسای اولیه، الوهیت مسیح را انکار می‌کردند. این انکار با عقیده پیروان سوسینوس در دوران اصلاحات و یگانه‌باوران (Unitarians) و نوگرایان (Modernists) در این دوره، مشترک است. در کلیسای اولیه آریوس، الوهیت کامل مسیح را نپذیرفت و او را یک نیمه خدا معرفی می‌کرد، در حالی که پیروان آپولیناریوس انسانیت کامل او را نمی‌پذیرفت و معتقد بود که کلمه الهی (Logos) جایگزین روح انسانی در مسیح گردید. نستوری‌ها اتحاد این دو طبیعت را در یک شخص انکار کردند و پیروان یوتیکوس (Eutychus) در تمایز صحیح بین این دو طبیعت دچار اشتباه گردیدند.

### آیاتی برای حفظ کردن در مورد مطالب مورد بحث:

*الف: الوهیت مسیح.*

اشعیا ۶:۹ «زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد».

ارمیا ۶:۲۳ «در ایام وی یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت

ساکن خواهد شد و اسمی که به آن نامیده می‌شود این است: یهوه صدقینو (یهوه عدالت ما).

یوحنا ۱:۱ «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود».  
 رومیان ۵:۹ «که پدران از آن ایشانند و از ایشان مسیح بحسب جسم شد که فوق از همه است، خدای متبارک تا ابدالآباد. آمین».  
 کولسیان ۹:۲ «که در وی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است».

ب: انسانیت مسیح.

یوحنا ۸:۴۰ «ولیکن الآن می‌خواهید مرا بکشید و من شخصی هستم که با شما به راستی که از خدا شنیده‌ام تکلم می‌کنم».  
 متی ۲۸:۲۶ «زیرا که این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری بجهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود».  
 لوقا ۳۹:۲۴ «دستها و پایهایم را ملاحظه کنید که من خود هستم و دست بر من گذارده ببینید، زیرا که روح گوشت و استخوان ندارد، چنانکه می‌نگرید که در من است».  
 عبرانیان ۱۴:۲ «پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا بوساطت موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد».

ج: یگانگی شخصیت مسیح:

یوحنا ۵:۱۷ «و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم».  
 یوحنا ۱۳:۳ «و کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد یعنی پسر انسان که در آسمان است».



اول قرن‌تینان ۸:۲ «که احدی از رؤسای این عالم آن را ندانست زیرا اگر می‌دانستند خداوند جلال را مصلوب نمی‌کردند».

### برای مطالعه بیشتر

الف: از چه جنبه‌ای یوشع پسر نون نمونه‌ای از مسیح بود؟ از چه جنبه‌ای یوشع پسر یهوصاداق نمونه‌ای از مسیح بود؟ زکریا ۸:۳، ۹: عبرانیان ۴:۸.

ب: آیات زیر از کتاب مقدس در مورد مسح مسیح چه حقایقی را به ما تعلیم می‌دهند؟ مزمو ۲:۲؛ ۷:۴۵؛ امثال ۸:۲۳؛ اشعیا ۶۱:۶.

ج: چه خصوصیات روحانی (اشعیا ۹:۶؛ امثال ۸:۲۲-۳۱؛ میکاه ۵:۲؛ یوحنا ۵:۲۶؛ ۱۷:۲۱)، چه اعمال الهی (مرقس ۲:۵-۷؛ یوحنا ۱:۱-۳؛ کولسیان ۱:۱۶، ۱۷؛ عبرانیان ۱:۱-۳) و چه تجلیل و احترام الهی (متی ۹:۲۸؛ یوحنا ۵:۱۹-۲۹؛ ۱۴:۱؛ دوم قرن‌تینان ۱۳:۱۴) به مسیح نسبت داده شده است؟

### سؤالاتی برای مرور مطالب

- ۱- مهم‌ترین اسامی مسیح را نام برده و معنی هر یک را بیان کنید.
- ۲- مسح مسیح شامل چه عناصری می‌گردد و در چه زمانی به وقوع پیوست؟
- ۳- نام «پسر انسان» از کجا اقتباس شده است و این نام چه چیزی را بیان می‌کند؟
- ۴- از چه جنبه‌هایی نام «پسر خدا» برای مسیح به کار برده شده است؟
- ۵- نام «خداوند» به آن صورتی که برای مسیح به کار می‌رود، چه معنای متفاوتی را در بر دارد؟
- ۶- چه دلایل کتاب مقدسی‌ای برای اثبات الوهیت و انسانیت مسیح

وجود دارد؟

۷- طبیعت مسیح چگونه است؟ الهی، انسانی یا الهی-انسانی؟

۸- چگونه می‌توان اتحاد و یگانگی شخصیت مسیح را از کتاب مقدس

اثبات نمود؟

۹- مهم‌ترین عقاید اشتباه درباره شخصیت مسیح را نام ببرید؟

# حالت‌های مسیح

در این بحث، می‌توانیم کلمات حالت و موقعیت را به‌طور مترادف به کار ببریم. با وجود این، زمانی که از «حالت‌های» مسیح سخن می‌گوییم، معنایی بسیار خاص برای آن قائل می‌شویم که به رابطهٔ مسیح با شریعت دلالت دارد. مسیح در روزهای خوار شدنش (humiliation)، غلامی زیر شریعت بود؛ و در جلال یافتنِ خویش، خدا بود و در چنین حالتی، بالاتراز شریعت قرار داشت. طبیعتاً این دو حالت، شرایط زندگی متناسب با خود را به همراه دارند و این شرایط به‌عنوان مراحل مختلف این حالت‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند.

## ۱- حالت انسانیّت

حالت انسانیّت عبارت است از اینکه مسیح جلال و عظمت الهی خویش را که به‌عنوان حاکم مطلق کائنات داشت، به کناری نهاد و طبیعت انسانی را به‌صورت یک غلام بر خود گرفت. او که عالی‌ترین بخشندهٔ شریعت بود، خود زیر محکومیت و لعنت شریعت قرار گرفت (متی ۱۵:۳؛ غلاطیان ۳:۱۳؛ ۴:۴؛ فیلیپیان ۲:۶-۸). این حالت در شرایط مختلف زندگی مسیح منعکس است که معمولاً آنها را به چند مرحلهٔ زیر تقسیم می‌کنند.

## تجسم و تولد مسیح

در تجسم، پسر خدا طبیعت انسانی بر خود گرفت و جسم شد (یوحنا ۱:۱۴؛ اول یوحنا ۴:۲). او واقعاً با متولد شدن از مریم فردی از نژاد بشری گردید. اگر آنگونه که آناپتیسست‌ها ادعا می‌کنند، مسیح انسانیت خود را از آسمان آورده بود، دیگر این امر نمی‌توانست واقعیت داشته باشد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که باکره، فرزندى به دنیا می‌آورد (اشعیا ۷:۱۴؛ متی ۱:۲۰؛ لوقا ۱:۳۴-۳۵). این تولد خارق‌العاده به دلیل تأثیر فوق طبیعی روح القدس امکان‌پذیر گردید. همین روح القدس، طبیعت انسانی مسیح را از همان آغاز از آلودگی گناه حفظ نمود (لوقا ۱:۳۵).

## رنج مسیح

بعضی اوقات از رنج کشیدن مسیح به گونه‌ای سخن می‌گوییم که انگار فقط محدود به زجر و عذاب نهایی او می‌گردد؛ اما این برداشت صحیح نمی‌باشد. تمامی زندگی او رنج بود. زندگی او، زندگی غلام‌گونه خداوند لشکرها بود؛ زندگی آن وجود بی‌گناه در دنیای پر از گناه. شیطان به او حمله کرد، قومش او را رد کردند، و دشمنانش به او جفا رساندند. رنج و عذاب روحی او بسیار شدیدتر از رنج جسمی او بود. او به دست شریب و سوسه گردید، از شرارت‌های دنیای اطرافش رنج می‌برد، و در اثر بار گناهی که بر او بود خم گشته بود. «صاحب غمها و رنج دیده» (اشعیا ۳:۵۳).

## مرگ مسیح

زمانی که از مرگ مسیح سخن می‌گوییم، به طور طبیعی مرگ فیزیکی و جسمی او را در ذهن مجسم می‌کنیم. او نه در اثر یک حادثه جان سپرد و نه به دست یک قاتل کشته شد، بلکه به واسطه یک حکم قضایی؛ و بدین طریق

جزو خطاکاران محسوب گردید (اشعیا ۵۳:۱۲). با زجر کشیدن در اثر مجازات صلیب رومی‌ها، او همانند ملعونان و نفرین‌شدگان مرد. او لعنت را به خاطر ما متحمل گردید (تثنیه ۲۱:۲۳؛ غلاطیان ۳:۱۳).

### تدفین مسیح

ظاهراً به نظر می‌رسد که مرگ مسیح، آخرین مرحله رنج کشیدن او است. مگر غیر از این است که بر روی صلیب فریاد زد «تمام شد»؟ اما این سخنان احتمالاً اشاره به رنج فعال و پویای او دارد. تدفین مسیح بی‌شک جزئی از انسانیت او بود که مسیح به عنوان پسر خدا از آن آگاه بود. بازگشت انسان به خاک، مجازاتی است به دلیل گناه (پیدایش ۳:۱۹). بر اساس آنچه از مزمور ۱۰:۱۶؛ اعمال ۲:۲۷، ۳۱؛ ۱۳:۳۴، ۳۵ آشکار است، دورانی که نجات‌دهنده در قبر بود نیز جزئی از انسانیت او محسوب می‌گردد. مسیح وحشت و ترس قبر را از ما دور نمود.

### نزول به هاویه

اعتقادنامهٔ رسولان می‌گوید: «او به هاویه (عالم اموات) نزول کرد.» این جمله به گونه‌های مختلفی تفسیر شده است. کاتولیک‌های روم معتقدند که مسیح به Limbus Patrum نزول کرد، یعنی به مکان روح‌های مقدسین عهدعتیق، تا ایشان را آزاد سازد. لوتریها معتقدند که مسیح در فاصلهٔ مرگ و قیام خود، به هاویه نزول کرد تا با شادی، پیروزی خود را بر نیروهای تاریکی اعلام کند. به احتمال بسیار زیاد، این جمله یک بیان استعاری است که اشاره دارد بر اینکه (۱) مسیح در باغ جتسیمانی و بر روی صلیب درد شدید هاویه را متحمل گردید و (۲) به ژرفترین خواری حالتِ مرگ وارد شد (مزمور ۸:۱۶-۱۰؛ افسسیان ۴:۹).

## ۲- در حالت جلال یابی

در حالت جلال یابی، مسیح از زیر بار شریعت به عنوان تعهد عهد گذشت، مجازات گناه را پرداخت و عدالت و حیات جاودانی را برای گناهکار کسب کرد. علاوه بر این، او تاج جلال و اکرام را بر سر نهاد. در این قسمت، چهار مرحله وجود دارد.

### قیام

قیام مسیح فقط شامل اتحاد دوباره بدن و روح او نمی‌گردد، بلکه به‌طور خاص در قیام، طبیعت انسانی مسیح که شامل بدن و روح می‌گردد دوباره به زیبایی و قدرتی که در ابتدا داشت، بازگشت و حتی به درجه بالاتری ارتقا یافت. برخلاف تمام اشخاصی که قبل از او از مردگان برخاسته بودند، او با یک بدن روحانی از مردگان قیام نمود (اول قرن‌تین ۴۴:۱۵، ۴۵). به همین دلیل می‌توان او را «نوبر خوابیدگان» (اول قرن‌تین ۲۰:۱۵) و «نخست زاده از مردگان» (کولسیان ۱:۱۸؛ مکاشفه ۵:۱) نامید. قیام مسیح از اهمیت سه‌گانه برخوردار است: (۱) تأییدی است از جانب پدر مبنی بر اینکه مسیح تمام اقتضاهای شریعت را به‌جا آورده است (فیلیپیان ۲:۹)؛ (۲) نمادی است از عادل شمرده شدن، تجدید حیات (تولد تازه)، و قیامت ایمانداران می‌باشد (رومیان ۴:۶، ۵، ۹؛ اول قرن‌تین ۱۴:۶؛ ۱۵:۲۰-۲۲). (۳) قیام مسیح، عامل عادل شمرده شدن، تجدید حیات و قیامت ما می‌باشد (رومیان ۴:۲۵؛ ۵:۱۰؛ افسسیان ۱:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۱۰؛ اول پطرس ۱:۳).

### صعود

صعود گرچه از یک جنبه برای تکمیل قیام مسیح از مردگان ضروری بود، اما اهمیت جداگانه خود را نیز دارا می‌باشد. در کلام خدا دو گزارش از

صعود مسیح وجود دارد که عبارتند از لوقا ۲۴:۵۰-۵۳؛ اعمال ۱:۶-۱۱. پولس رسول در افسسیان ۱:۲۰؛ ۴:۸-۱۰؛ اول تیموتاؤس ۳:۱۶ به آن اشاره می‌کند و رساله به عبرانیان بر اهمیت آن تأکید می‌گذارد (۱:۳؛ ۴:۱۴؛ ۶:۲۰؛ ۹:۲۴). بر اساس طبیعت انسانی مسیح، صعود او یک صعود قابل رؤیت از زمین به آسمان و در واقع از مکانی به مکان دیگر بود. این صعود شامل جلال بیشتر طبیعت انسانی مسیح می‌گردد. دیدگاه لوتری‌ها متفاوت است. آنها این صعود را یک تغییر در موقعیت می‌بینند که از طریق آن طبیعت انسانی مسیح به برخورداری کامل از برخی از صفات الهی نائل آمد و برای همیشه حاضر مطلق گشت. در صعود، مسیح به‌عنوان کاهن اعظم ما، به مکان اقدس داخل می‌گردد تا قربانی خویش را به پدر تقدیم نماید و کار او به‌عنوان شفیع نزد تخت پادشاهی خدا آغاز می‌گردد (رومیان ۸:۳۴؛ عبرانیان ۴:۱۴؛ ۶:۲۰؛ ۹:۲۴). او صعود کرد تا مکانی برای ما مهیا سازد (یوحنا ۱۴:۱-۳). با او از قبل در جایهای آسمانی نشانده شده‌ایم و از طریق صعود مسیح، از برخورداری از مکانی در آسمان مطمئن می‌شویم (افسسیان ۲:۶؛ یوحنا ۱۷:۲۷).

### نشستن بر دست راست خدا

بعد از صعود، مسیح بر دست راست خدای پدر نشست (افسسیان ۱:۲۰؛ عبرانیان ۱۰:۱۲؛ اول پطرس ۳:۲۲). طبیعتاً اصطلاح «دست راست خدا» را نمی‌توان تحت‌اللفظی تعبیر کرد، بلکه می‌باید آن را به‌عنوان بیانی تمثیلی در نظر گرفت که به جایگاه جلال و قدرت اشاره می‌کند. در طول نشستن بر دست راست خدا، مسیح بر کلیسای خود حکمرانی کرده، از آن محافظت می‌کند؛ او بر کائنات حکمرانی کرده، برای قوم خود بر اساس قربانی کامل و بی‌عیب خویش نزد خدا شفاعت می‌کند.

## بازگشت مسیح

جلال‌یابی مسیح با بازگشت او برای داوری مردگان و زندگان به نقطه اوج خود می‌رسد. آشکارا بازگشت او قابل رؤیت و با بدنی تبدیل شده می‌باشد (اعمال ۱۱:۱؛ مکاشفه ۷:۱). بازگشت او به‌عنوان داور در قسمت‌هایی از قبیل یوحنا ۵:۲۲، ۲۷؛ اعمال ۱۰:۴۲؛ رومیان ۲:۱۶؛ دوم قرنتیان ۵:۱۰؛ دوم تیموتاؤس ۴:۱ مورد اشاره واقع شده است. زمان بازگشت او برای ما مشخص نیست. هدف از بازگشت او داوری جهان و کامل کردن نجات قوم خویش می‌باشد. بازگشت، پیروزی کامل کار رهایی‌بخش او را نشان می‌دهد (اول قرنتیان ۴:۵؛ فیلیپیان ۳:۲۰؛ کولسیان ۳:۴؛ اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۷؛ دوم تسالونیکیان ۱:۷-۱۰؛ ۲:۱-۱۲؛ تیطس ۲:۱۳؛ مکاشفه ۷:۱).

### آیاتی برای حفظ کردن در مورد مطالب مورد بحث:

*الف: حالت انسانیت مسیح.*

غلاطیان ۳:۱۳ «مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود».

غلاطیان ۴:۴، ۵ «لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد، تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیة کند تا آنکه پسر خواندگی را بیابیم».

فیلیپیان ۲:۶-۸ «که چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد و چون در شکل انسان یافت شد، خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت، بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید».



ب: تجسم.

یوحنا ۱۴:۱ «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر».  
رومیان ۳:۸ «زیرا آنچه از شریعت محال بود، چونکه به سبب جسم ضعیف بود، خدا پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده، بر گناه در جسم فتوا داد».

ج: تولد از باکره.

اشعیا ۱۴:۷ بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند».  
لوقا ۱:۳۵ «فرشته در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد».

د: نزول به هاویه (عالم اموات).

مزمور ۱۰:۱۶ «زیرا جانم را در عالم اموات (Sheol) (اعمال ۲:۲۷ hades) ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را بیند».

افسسیان ۹:۴ «اما این صعود نمود چیست؟ جز اینکه اول نزول هم کرد به اسفل زمین».

ه: قیام.

رومیان ۲۵:۴ «که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد».

اول قرنثیان ۲۰:۱۵ «لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر

خوابیدگان شده است».

و: صعود.

لوقا ۲۴:۵۱ «و چنین شد که در حین برکت دادن ایشان، از ایشان جدا گشته، به سوی آسمان بالا برده شد».

اعمال ۱۱:۱ «گفتند: ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید».

ز: جلوس.

افسیان ۱:۲۰ «که در مسیح عمل کرد چون او را از میان مردگان برخیزانید و به دست راست خود در جایهای آسمانی نشانید».

عبرانیان ۱۲:۱۰ «لکن او چون یک قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست خدا بنشست تا ابدالآباد».

ح: بازگشت.

اعمال ۱۱:۱ به قسمت «و» رجوع کنید.

مکاشفه ۷:۱ «اینک با ابرها می آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که اورانیزه زدند و تمامی امت‌های جهان برای وی خواهند نالید».

### برای مطالعه بیشتر

الف: در آیات زیر، عهدعتیق در مورد انسانیت مسیح چه حقایقی را بیان می‌کند: مزمو ۲۲:۶-۲۰؛ ۶۹:۷-۹؛ ۲۰:۲۰؛ اشعیا ۵۲:۱۴، ۱۵؛ ۵۳:۱-۱۰؛ زکریا ۱۱:۱۲، ۱۳

ب: اهمیت خاص وسوسه‌های مسیح برای ما چیست؟ عبرانیان ۲:۱۸؛

ج: چگونه آیات زیر این حقیقت را ثابت می‌کنند که آسمان بیشتر یک مکان است تا یک وضعیت و حالت؟ تثنیه ۱۲:۳۰؛ یوشع ۱۱:۲؛ مزمور ۸:۱۳۹؛ جامعه ۲:۵؛ اشعیا ۱:۶۶؛ رومیان ۶:۱۰، ۷.

### سؤالاتی برای هرور مطالب

- ۱- منظور از حالت‌های میانجی چیست؟
- ۲- چگونه حالت‌های خواری و جلال‌یابی را تعریف می‌کنید؟
- ۳- در تجسم چه چیزی روی داد؟
- ۴- مسیح چگونه طبیعت انسانی خود را دریافت کرد؟
- ۵- چه دلیل و مدرکی برای تولد از باکره در اختیار داریم؟
- ۶- روح القدس چگونه با تولد مسیح مربوط می‌گردد؟
- ۷- آیا رنج‌های مسیح فقط محدود به پایان یافتن زندگی او می‌گردد؟
- ۸- آیا این امر در چگونگی مرگ مسیح، تفاوتی ایجاد می‌کند؟
- ۹- چه دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ نزول به عالم اموات (هاویه) وجود دارد؟
- ۱۰- ماهیت قیام مسیح از مردگان چه بود؟ او دچار چه تغییری شد؟
- ۱۱- اهمیت قیام مسیح از مردگان در چیست؟
- ۱۲- چگونه ثابت می‌کنید که صعود، انتقالی است از یک مکان به مکان دیگر؟
- ۱۳- اهمیت صعود در چیست و دیدگاه لوتری‌ها در این باره چیست؟
- ۱۴- منظور از «نشستن مسیح بر دست راست خدا» چیست؟ و مسیح در آنجا چه کاری را انجام می‌دهد؟
- ۱۵- مسیح چگونه بازگشت خواهد کرد و هدف او از بازگشتش چیست؟

# مقام های مسیح

کتاب مقدس برای مسیح سه مقام قائل شده است و از او به عنوان نبی، کاهن و پادشاه سخن می گوید.

## ۱- مقام نبوتی مسیح

عهد عتیق آمدن مسیح را به عنوان یک نبی پیشگویی می کند (تثنیه ۱۵:۱۸، مقایسه کنید با اعمال ۲۳:۳). در لوقا ۳۹:۱۳ مسیح از خود به عنوان یک نبی سخن می گوید؛ ادعا می کند که پیغمبی از جانب خدای پدر آورده است (یوحنا ۸:۲۶-۲۸؛ ۱۲:۴۹ و ۵۰؛ ۱۰:۱۴، ۲۴)؛ آینده را پیشگویی می نماید (متی ۲۴:۳-۳۵؛ لوقا ۱۹:۴۱-۴۴) و با اقتداری بی نظیر و استثنایی سخن می گوید (متی ۲۹:۷). بنابراین تعجبی ندارد که مردم او را یک نبی می دانستند (متی ۱۱:۲۱، ۴۶؛ لوقا ۷:۱۶؛ ۱۹:۲۴؛ یوحنا ۶:۱۴؛ ۷:۴۰؛ ۹:۱۷). نبی شخصی است که مکاشفات الهی را در خواب یا رؤیا یا از طریق ارتباط کلامی دریافت کرده و آن را یا به صورت شفاهی و یا به صورت قابل رؤیت از طریق اعمال نبوتی به مردم منتقل می سازد (خروج ۱:۷؛ تثنیه ۱۸:۱۸؛ اعداد ۱۲:۶-۸؛ اشعیا ۶؛ ارمیا ۱:۴-۱۰؛ حزقیال ۳-۱، ۴، ۱۷). کار او امکان دارد به گذشته، زمان حال یا آینده مربوط گردد. یکی از وظایف مهم نبی، تفسیر و توضیح جنبه های اخلاقی و روحانی شریعت برای مردم بود. مسیح قبلاً در عهد عتیق در مقام نبی عمل کرده بود (۱ پطرس ۱:۱؛ ۳:۱۸-۲۰). او این وظیفه را در ایامی که روی زمین بود

به انجام رساند و بعد از صعودش به آسمان نیز آن را از طریق عملکرد روح القدس و رسولان ادامه داد (یوحنا ۱۴:۲۶؛ ۱۶:۱۲-۱۴؛ اعمال ۱:۱). حتی اکنون نیز خدمت نبوتی مسیح از طریق خدمت کلام و تنویر روحانی ایمانداران ادامه می‌یابد. این تنها جنبه‌ای از عملکرد مسیح است که از سوی الهیات لیبرالی جدید مورد پذیرش است.

## ۲- مقام کهناتی مسیح

عهدعتیق همچنین کهنات منجی موعود را پیشگویی کرده و از قبل آن را به تصویر کشیده بود (مزمور ۱۱۰:۴؛ زکریا ۶:۱۳؛ اشعیا ۵۳). در عهدجدید گرچه مسیح فقط در کتاب عبرانیان کاهن نامیده شده، اما این نام در آن کتاب بارها برای او به کار رفته است (۱:۳؛ ۴:۱۴؛ ۵:۵؛ ۶:۲۰؛ ۷:۲۶؛ ۸:۱). با وجود این، سایر کتب عهدجدید به کار کهناتی مسیح اشاره می‌کنند (مرقس ۱۰:۴۵؛ یوحنا ۱:۲۹؛ رومیان ۳:۲۴، ۲۵؛ اقرنتیان ۵:۷؛ ۱ یوحنا ۲:۲؛ ۱ پطرس ۲:۲۴؛ ۳:۱۸). نبی نماینده خدا در میان مردم است و کاهن نماینده مردم در حضور خدا. هر دو معلم‌اند؛ اولی اصول اخلاقی را تعلیم می‌داد و دومی احکام مربوط به مناسک و آئین‌ها را. به علاوه، کاهنان از این امتیاز ویژه برخوردار بودند که به خدا تقرب جویند و از جانب مردم سخن گویند و عمل کنند. عبرانیان ۵:۱ و ۳ چنین تعلیم می‌دهد که کاهن از میان مردم انتخاب می‌گردد تا نماینده آنها باشد، و به وسیله خدا منصوب می‌شود، و برای انسان در حضور خدا عمل می‌کند، و هدایا و قربانی‌های گناه را تقدیم می‌نماید. او همچنین برای قوم شفاعت می‌کند.

## مسیح و تقدیم قربانی

کار مسیح در مقام کاهن، پیش از هر چیز، آوردن قربانی برای گناه بود. قربانی‌های عهدعتیق نمونه‌هایی بودند که به قربانی بزرگ مسیح اشاره

می‌کردند (عبرانیان ۹:۲۳، ۲۴؛ ۱۰:۱؛ ۱۱:۱۳، ۱۲). به همین دلیل، مسیح «بره‌خدا» (یوحنا ۱:۲۹) و «فصح ما» (اقرنتیان ۵:۷) نامیده شده است. عهدجدید در قسمت‌های بسیاری به وضوح در مورد کار مسیح در مقام کاهن سخن می‌گوید: مرقس ۱۰:۴۵؛ یوحنا ۱:۲۹؛ رومیان ۳:۲۴، ۲۵؛ ۵:۸-۶؛ اقرنتیان ۵:۷؛ ۳:۱۵؛ غلاطیان ۱:۱۴؛ افسسیان ۵:۲؛ اپطرس ۲:۲۴؛ ۳:۱۸؛ یوحنا ۲:۲؛ ۴:۱۰؛ مکاشفه ۵:۱۲. در رساله به عبرانیان به این مطلب اشارات بسیاری شده است: ۵-۱؛ ۷-۱؛ ۷-۲۸؛ ۹-۱۱؛ ۱۵-۲۴؛ ۲۸-۲۴؛ ۱۹-۲۲؛ ۱۲-۲۴؛ ۱۳-۱۲.

### مسیح و شفاعت

مسیح در مقام کاهن، علاوه بر تقدیم قربانی برای گناه، برای قوم خویش نیز شفاعت می‌نماید. در یوحنا ۱۴:۱۶ او تلویحاً «پاراکلتوس» (*parakletos*)، و در اول یوحنا ۲:۱ صراحتاً «شفیع» نامیده شده است. این اصطلاح به معنای «شخصی است که برای کمک فرا خوانده می‌شود، یا یک حامی، یا شخصی که از دعوی دیگران دفاع می‌کند». عهدجدید در رومیان ۸:۳۴ و عبرانیان ۷:۲۵؛ ۹:۲۴ و اول یوحنا ۲:۱ به مسیح به عنوان «شفیع» ما اشاره می‌کند. کار شفاعتی مسیح مبتنی بر قربانی او می‌باشد و آنطور که بعضی از مواقع تصور می‌شود، به دعای شفاعتی محدود نمی‌گردد. مسیح قربانی خود را به خدا تقدیم کرد و براساس آن تمام برکات روحانی را برای قوم خویش مطالبه می‌نماید، در برابر حملات شیطان و شریعت و وجدان از آنها دفاع می‌کند، برای تمام اتهاماتی که به حق بر ضد آنها اقامه می‌شود عفو و بخشش را کسب می‌نماید، و پرستش و خدمت آنها را از طریق کار روح القدس تقدیس می‌کند. این کار شفاعتی از نظر خصوصیت محدود می‌باشد؛ آن فقط مخصوص برگزیدگان می‌باشد، اما تمام برگزیدگان را در برمی‌گیرد، چه آنانی که ایمان آورده‌اند و چه آنانی که هنوز ایمان

### ۳- مقام پادشاهی مسیح

مسیح به‌عنوان پسر خدا به‌طور طبیعی در حاکمیت و فرمانروایی مطلق و جهان‌شمول خدا شریک می‌باشد. اما به‌گونه‌ای متمایز از آن، ما از مقام پادشاهی بی‌سخن می‌گوییم که به او به‌عنوان شفیع بخشیده شده است. این پادشاهی از دو جنبه برخوردار است که عبارتند از: پادشاهی روحانی بر کلیسا، و پادشاهی او بر عالم هستی.

#### پادشاهی روحانی مسیح

کتاب مقدس از این پادشاهی مسیح در قسمت‌های بسیاری سخن می‌گوید (مزمور ۲:۶؛ ۱۱:۱۳۲؛ اشعیا ۹:۶، ۷؛ میکاه ۵:۲؛ زکریا ۶:۱۳؛ لوقا ۱:۳۳؛ ۳۸:۱۹؛ یوحنا ۱۸:۳۶، ۳۷؛ اعمال ۲:۳۰-۳۶). پادشاهی مسیح عبارت است از حاکمیت با شکوه او بر قوم خویش. این پادشاهی به این دلیل روحانی نامیده شده است که به قلمرو امور روحانی مربوط گشته، در قلب و زندگی ایمانداران بنا شده است، و دارای هدفی روحانی یعنی نجات گناهکاران بوده، و با روشهای روحانی یعنی کلام و روح به‌عمل در می‌آید. این پادشاهی به‌طور عمده در تجمع و مدیریت و حفاظت و تکامل کلیسا اعمال می‌شود. این پادشاهی و نیز قلمرویی که تحت سیطره آن است، در عهدجدید «ملکوت خدا» یا «ملکوت آسمان» نامیده شده است. در معنای دقیق کلمه، فقط ایمانداران یعنی اعضای کلیسای نادیدنی، شهروندان این پادشاهی می‌باشند. اما اصطلاح «ملکوت خدا» گاهی اوقات در معنایی وسیع‌تر به‌کار رفته است و تمامی اشخاصی را در برمی‌گیرد که تحت اعلام خیر خوش انجیل زندگی می‌کنند، یعنی تمام اشخاصی که جایگاهی در کلیسای دیدنی دارند (متی ۱۳:۲۴-۳۰، ۴۷-۵۰). این پادشاهی یا ملکوت

خدا از یک جنبه در زمان حال است، یعنی یک واقعیت روحانی است در قلب و زندگی انسانها (متی ۲۸:۱۲؛ لوقا ۲۱:۱۷؛ کولسیان ۱:۱۳)؛ اما از جنبه دیگر امیدی است در آینده که تا بازگشت عیسی مسیح جامعه عمل نخواهد پوشید (متی ۲۱:۷؛ لوقا ۲۹:۲۲؛ اقرنتیان ۵:۱۵؛ ۲ تیموتاؤس ۴:۱۸؛ ۲ پطرس ۱:۱۱). ملکوت آینده اساساً همانند ملکوت زمان حال خواهد بود، یعنی استقرار حاکمیت خدا در قلب انسانها و پذیرش آن. اما تفاوتش این است که قابل رؤیت و کامل خواهد بود. بعضی معتقدند که جنبه روحانی ملکوت مسیح در زمان بازگشت او متوقف می‌گردد، اما از تعلیم کلام خدا چنین بر می‌آید که این ملکوت تا به ابد ادامه می‌یابد (مزمور ۴۵:۶؛ ۱۷:۷۲؛ ۳۶:۸۹، ۳۷؛ اشعیا ۹:۶؛ دانیال ۲:۴۴؛ ۲ سموئیل ۷:۱۳، ۱۶؛ لوقا ۱:۳۳؛ ۲ پطرس ۱:۱۱).

### پادشاهی مسیح بر عالم هستی

مسیح پس از قیام خویش به شاگردان خود چنین فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است» (متی ۱۸:۲۸). همین حقیقت در اول قرن‌تین ۱۵:۲۷ و افسسیان ۱:۲-۲۲ تعلیم داده شده است. این پادشاهی اگرچه به همان قلمرو مربوط می‌شود، نباید با پادشاهی اصلی و اولیه مسیح به عنوان پسر خدا، اشتباه گردد. این پادشاهی مسیح بر عالم هستی است که به عنوان شفیع و برای نفع کلیسایش به او بخشیده شده است. اکنون او به عنوان شفیع سرنوشت افراد و ملت‌ها را هدایت کرده، حیات جهان را تحت اختیار و فرمان خود می‌گیرد، و آن را مطیع هدف رهایی‌بخش خویش می‌سازد و کلیسای خود را از خطراتی که در این دنیا آن را تهدید می‌کند، محافظت می‌نماید. این پادشاهی تا زمان کامل شدن پیروزی بر دشمنان ملکوت خدا ادامه می‌یابد. زمانی که این هدف به‌طور کامل انجام پذیرد، دوباره به خدای پدر بازگردانده می‌شود (اقرنتیان



### آیاتی برای حفظ کردن در باره مطالب مورد بحث:

الف: مسیح در مقام نبی:

تثنیه ۱۸:۱۸ «نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت».

لوقا ۷:۱۶ «پس خوف همه را فراگرفت و خدا را تمجید کنان می‌گفتند که: نبی‌یی بزرگ در میان ما مبعوث شده و خدا از قوم خود تفقد نموده است».

ب: مسیح در مقام یک کاهن:

مزمور ۴:۱۱۰ «خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبه ملک‌یصدق».

عبرانیان ۱:۳ «بنابراین، ای برادران مقدس که در دعوت سماوی شریک هستید، در رسول و رئیس کهنه‌ اعتراف ما یعنی عیسی تأمل کنید».

عبرانیان ۴:۴ «پس چون رئیس کهنه‌ عظیمی داریم که از آسمانها درگذشته است، یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم».

ج: مشخصات و ویژگی‌های او به‌عنوان یک کاهن:

عبرانیان ۵:۱، ۵ «زیرا که هر رئیس کهنه از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان مقرر می‌شود در امور الهی تا هدایا و قربانی‌ها برای گناهان بگذرانند... و همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس کهنه بشود، بلکه او که به وی گفت: تو پسر من هستی، من امروز تو را تولید نمودم».

د: قربانی مسیح:

اشعیا ۵:۵۳ «حال آنکه بسبب تقصیرهای ما مجروح و بسبب گناهان ما کوفته گردید و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم».

مرقس ۴۵:۱۰ «زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند».

یوحنا ۱:۲۹ «در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید پس گفت اینک برّه خدا که گناه جهان را برمی‌دارد».

اول پطرس ۲:۲۴ «که خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد تا از گناه مرده شده به عدالت زیست نماییم که به ضربهای او شفا یافته‌اید».

اول یوحنا ۲:۲ «و او است کفّاره بجهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه بجهت تمام جهان نیز».

ه: عملکرد شفاعتی مسیح:

رومیان ۸:۳۴ «کیست که بر ایشان فتوی دهد آیا مسیح که مرد بلکه نیز برخاست آنکه بدست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت می‌کند».

عبرانیان ۷:۲۵ «از این جهت نیز قادر است که آنانی را که بوسیله وی نزد خدا آیند نجات بی‌نهایت بخشد چونکه دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند».

اول یوحنا ۲:۱ «اگر کسی گناهی کند شفیعیم داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل».

و: مسیح به‌عنوان پادشاه صهیون:

مزمور ۶:۲ «و من پادشاه خود را نصب کرده‌ام بر کوه مقدّس خود

صهیون».

اشعیا ۷:۹ «ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را با انصاف و عدالت از الآن تا ابدالآباد ثابت و استوار نماید، غیرت یهوه صبایوت این را به جا خواهد آورد».

لوقا ۱:۳۲، ۳۳ «او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلیٰ مسمی شود و خداوند خدا تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود».

ز: مسیح به عنوان پادشاه عالم هستی:

متی ۱۸:۲۸ «پس عیسی پیش آمده بدیشان خطاب کرده گفت تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است».

افسیان ۲۲:۱ «همه چیز را زیر پایهای او نهاد و او را سر همه چیز به کلیسا داد».

اول قرنیتیان ۲۵:۱۵ «زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود ننهد می باید او سلطنت بنماید».

### برای مطالعه بیشتر

الف: آیات ذیل در مورد ماهیت مقام نبوتی، چه حقایقی را بیان می کنند؟ خروج ۱:۷؛ تثنیه ۱۸:۱۸؛ حزقیال ۱۷:۳.

ب: در آیات زیر در عهدعتیق به چه نمونه هایی از مسیح اشاره شده است؟ یوحنا ۱:۲۹؛ اقرنیتیان ۷:۵؛ عبرانیان ۱:۳؛ ۱۴:۴؛ ۵-۳:۸؛ ۱۳:۹، ۱۴؛ ۱۰-۱:۱۴، ۱۱:۱۳، ۱۲.

ج: آیات ذیل چه حقایقی را در مورد ملکوت خدا تعلیم می دهند؟ یوحنا ۳:۵؛ ۱۸:۳۶، ۳۷؛ رومیان ۱۷:۱۴؛ اقرنیتیان ۴:۲۰.

## سؤالاتی برای مرور مطالب

- ۱- سه مقام مسیح را نام ببرید؟
- ۲- نبی کیست؟ چه دلیلی برای اثبات نبی بودن مسیح وجود دارد؟
- ۳- مسیح چگونه در دوره‌های مختلف تاریخ همانند یک نبی عمل نمود؟
- ۴- تفاوت کاهن با نبی در چیست؟ چگونه تعلیم آنها متفاوت است؟
- ۵- در کتاب مقدس چه دلیلی برای خصوصیت کهناتی مسیح وجود دارد؟
- ۶- ویژگی‌های یک کاهن چیست؟
- ۷- ماهیت قربانی مسیح چیست؟ چگونه در عهدعتیق از پیش اعلام شده بود؟
- ۸- مقام مسیح به‌عنوان شفیع مبتنی بر چیست؟
- ۹- مسیح برای چه اشخاصی شفاعت می‌کند؟
- ۱۰- پادشاهی روحانی مسیح چیست؟ و بر چه قلمرویی حاکمیت دارد؟
- ۱۱- چگونه پادشاهی و ملکوت زمان حال مسیح به پادشاهی و ملکوت آینده او مربوط می‌گردد؟
- ۱۲- پادشاهی و ملکوت روحانی مسیح تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟
- ۱۳- ماهیت و هدف پادشاهی مسیح بر عالم هستی چیست؟
- ۱۴- پادشاهی مسیح بر عالم هستی تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟

# کفاره بواسطهٔ مسیح

بخشی از عملکرد کهناتی مسیح که نیازمند تعمق و تفکر بیشتری است، کفارهٔ وی می‌باشد.

## ۱- علت محرکهٔ کفاره و ضرورت آن

### علت محرکهٔ کفاره

گاه گفته می‌شود که علت محرکهٔ کفاره، ترحم مسیح و همدردی او با گناهکاران است. گفته می‌شود که خدا در خشم خود، مصمم به هلاکت گناهکاران بود، اما مسیح با محبت میانجیگری کرده، گناهکاران را نجات داده است. تمام جلال را مسیح دریافت می‌کند، و خدای پدر از جلال محروم و بی‌بهره می‌ماند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که علت و محرک کفاره در اراده و خواست نیکوی خدای پدر می‌باشد (اشعیا ۵۳: ۱۰؛ لوقا ۱۴: ۲؛ افسسیان ۱: ۶-۹؛ کولسیان ۱: ۱۹، ۲۰). بهتر است گفته شود که کفاره ریشه در محبت و عدالت خدا دارد: محبت راهی را برای رهایی و نجات گناهکاران فراهم کرد و عدالت حکم می‌کرد که می‌باید مطالبات شریعت

برآورده شود (یوحنا ۳:۱۶؛ رومیان ۳:۲۴-۲۶).

### ضرورت کفاره

بعضی ضرورت کفاره را منکر شده و معتقدند خدا می‌توانست بدون تأمین رضایتش، گناهکار را ببخشد. بهر حال کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدای عادل و مقدس نمی‌تواند بی‌دلیل از گناه چشم‌پوشی کند، بلکه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد (خروج ۵:۲۰؛ ۷:۲۳؛ مزمور ۵:۵، ۶؛ نحمیا ۲:۱؛ رومیان ۱:۱۸، ۳۲). علاوه بر این، او حکم و رای مرگ را برای گناهکار اعلام کرده است (پیدایش ۳:۳؛ رومیان ۶:۲۳).

### ۲- ماهیت کفاره

در اینجا لازم است به نکات زیر توجه شود:

#### کفاره در جهت تأمین رضایت خدا عمل می‌کند

اغلب گفته می‌شود که کفاره در اصل (اگر نگوییم منحصرأ) بر شخص گناهکار تأثیر گذاشته، باعث توبه و پشیمانی قلبی او می‌شود، و بدین طریق او را به سوی خدا باز می‌گرداند. اما این گفته آشکارا اشتباه است. چرا که اگر فردی، شخص دیگری را برنجاند، اصلاحی که باید صورت گیرد می‌باید متوجه شخصی باشد که آزرده شده، نه فردی که باعث رنجش گردیده است. این بدین معناست که هدف اولیه و اصلی کفاره می‌باید در جهت آشتی دادن خدا با گناهکار باشد. آشتی و صلح گناهکار با خدا می‌باید به عنوان هدف ثانویه در نظر گرفته شود.

#### کفاره دلاری جنبه نیابتی است

خدا می‌توانست خواستار یک کفاره شخصی برای گناهکار باشد، اما

فرد گناهکار قادر به ادا کردن آن نمی‌بود. با توجه به این حقیقت خدا براساس رحمت و بخشش خود، مقرر نمود که مسیح به نیابت از طرف انسان، جای او را بگیرد. مسیح به‌عنوان جانشین ما با پذیرفتن مجازات گناه و برآورده کردن مطالبات شریعت، گناه نسل بشر را کفاره کرد و به این صورت نجات و رهایی جاودانی را برای انسان به ارمغان آورد. به این دلیل ما کفاره را *کفاره‌ای نیابتی* می‌خوانیم. در این مورد طرفی که مورد رنجش قرار گرفته، خودش کفاره را مهیا و فراهم نموده است. قربانی‌های عهدعتیق پیشاپیش کفارهٔ مسیح را به تصویر می‌کشیدند (لاویان ۴:۱؛ ۴:۴؛ ۲۰:۴، ۳۱، ۳۵؛ ۱۰:۵، ۱۶؛ ۷:۶؛ ۱۱:۱۷). کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که گناهان ما به حساب مسیح گذاشته شد (اشعیا ۵۳:۶)، مسیح آنها را متحمل گردید (یوحنا ۱:۲۹؛ عبرانیا ۹:۲۸) و جان خود را برای گناهکاران داد (مرقس ۱۰:۴۵؛ غلاطیان ۴:۱؛ اپطرس ۳:۱۸).

### کفاره شامل اطاعت فعال و منفعل مسیح می‌گردد

چنین مرسوم است که برای اطاعت مسیح دو جنبه قائل شوند. *اطاعت فعال* به‌عنوان شرطی برای کسب حیات جاوید، شامل تمام آن چیزهایی می‌گردد که مسیح انجام داد تا شریعت را از جانب گناهکاران اطاعت و اجرا کند؛ و *اطاعت منفعل* شامل تمام رنجهایی است که او در پرداخت مجازات گناه و رفع بدهکاری قوم خویش متحمل گردید. اما اگرچه این دو اطاعت را از یکدیگر تشخیص می‌دهیم، اما هرگز نباید آنها را از یکدیگر مجزا نمود. مسیح در رنجهای خود نیز فعال بود، و همچنین در اطاعت و فرمانبرداری خویش از شریعت، منفعل. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که او مجازات شریعت را متحمل گردید (اشعیا ۵۳:۸؛ رومیان ۴:۲۵؛ غلاطیان ۳:۱۳؛ اپطرس ۲:۲۴) و حیات جاودانی را برای گناهکاران کسب نمود (رومیان ۸:۴؛ ۴:۱۰؛ ۲۱:۵؛ غلاطیان ۴:۴-۷).

### ۳- گستره کفاره

کاتولیکهای رومی، پیروان لوتر و تمامی گروههای پیرو آرمینیوس، کفاره را نامحدود به حساب می‌آورند. این بدین معنا نیست که در اعتقادات آنها همه انسانها نجات خواهند یافت، بلکه صرفاً این است که مسیح به منظور نجات همه انسانها بدون هیچ استثنایی رنج کشید و مصلوب گردید. آنها می‌پذیرند که تأثیر مورد انتظار به طور کامل میسر نمی‌گردد. مسیح در عمل همه را نجات نمی‌دهد، بلکه نجات و رهایی را برای همه مهیا ساخته است. رهایی و نجات عملی آنها بستگی به انتخاب خودشان دارد. از طرف دیگر کلیسای اصلاحی معتقد به کفاره محدود می‌باشند. مسیح فقط برای نجات برگزیدگان رنج کشید و مصلوب شد و این هدف عملاً انجام می‌پذیرد. مسیح نه تنها نجات را ممکن ساخت، بلکه عملاً آنانی را که به خاطرشان جان خود را فدا کرد، به طور کامل نجات و رهایی می‌بخشد (لوقا ۱۹:۱۰؛ رومیان ۵:۱۰؛ ۲قرنتیان ۵:۲۱؛ غلاطیان ۴:۱؛ افسسیان ۷:۱). کتاب مقدس بیان می‌کند که مسیح جان خود را برای قوم (متی ۱:۲۱) و گله (یوحنا ۱۰:۱۱، ۱۵) و کلیسای خویش (اعمال ۲۰:۲۸؛ افسسیان ۵:۲۵-۲۷) و همچنین برای برگزیدگان (رومیان ۸:۳۲-۳۵) فدا کرد. اگر بعضی مواقع کتاب مقدس سخن از مردن مسیح برای جهان (یوحنا ۱:۲۹؛ یوحنا ۲:۲؛ ۴:۱۴) و یا برای همه (۱ تیموتاؤس ۲:۶؛ تیطس ۲:۱۱؛ عبرانیان ۲:۹) می‌کند، این قسمت‌ها به وضوح به این معناست که مسیح برای انسانها از هر ملیتی در جهان و یا (در بعضی از موارد) برای همه نوع انسانها در هر طبقه و سطحی جان خود را فدا کرد.



## آیاتی برای حفظ کردن در باره مطالب مورد بحث:

الف: علت و محرک کفاره

اشعیا ۵۳:۱۰ «اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده به دردها مبتلا سازد، چون جان او را قربانی گناه ساخت. آنگاه ذریت خود را خواهد دید و عمر او دراز خواهد شد و مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود».

کولسیان ۱۹:۱، ۲۰ «زیرا خدایان را بدین داد که تمامی پُری در او ساکن شود و اینکه به وساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد چونکه به خون صلیب وی سلامتی را پدید آورد. بلی به وسیله او خواه آنچه بر زمین و خواه آنچه در آسمان است».

ب: جنبه نیابتی کفاره

اشعیا ۵۳:۶ «جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما براه خود برگشته بود و خداوند گناه جمع ما را بر وی نهاد».

مرقس ۱۰:۴۵ «زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند».

دوم قرنتیان ۵:۲۱ «زیرا او را که گناه نشناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم».

اول پطرس ۲:۲۴ «که خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد تا از گناه مرده شده به عدالت زیست نمایم که به ضربهای او شفا یافته اید».

ج: اطاعت فعال و بخشش حیات جاودان

متی ۱۵:۳ «عیسی در جواب وی گفت: الآن بگذار زیرا که ما را همچین

مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم». متی ۱۷:۵ «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم». غلاطیان ۴:۴، ۵ «لیکن چون زمان به کمال رسید خدا پسر خود را فرستاد که از زن زائیده شد و زیر شریعت متولد تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیة کند تا آنکه پسر خواندگی را بیاییم». یوحنا ۱۰:۲۸ «و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست من نخواهد گرفت». رومیان ۶:۲۳ «زیرا که مزد گناه موت است اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح».

د: کفاره محدود

متی ۲۱:۱ «و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید». یوحنا ۱۰:۲۶-۲۸ «لیکن شما ایمان نمی‌آورید زیرا از گوسفندان من نیستید چنانکه به شما گفتم. گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند». اعمال ۲۸:۲۰ «پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است».

### برای مطالعه بیشتر

الف: تفاوت میان کفاره و مصالحه چیست؟  
ب: چگونه آیات ذیل ماهیت نیابتی قربانی‌های عهدعتیق را ثابت می‌کنند؟ لاویان ۱:۴؛ ۳:۲؛ ۴:۱۵؛ ۱۶:۲۱، ۲۲.

ج: آیا یوحنا ۹:۱۷ تمام مطلب را در مورد گستره کفارہ تعلیم می‌دهد؟

### سؤالاتی برای مرور مطالب

- ۱- محرک و علت کفارہ چه بود؟
- ۲- چرا کفارہ ضروری بود؟
- ۳- هدف اولیه و اصلی کفارہ چیست؟
- ۴- تفاوت میان کفارۀ شخصی و نیابتی چیست؟
- ۵- چگونه کفارہ نیابتی مسیح در عهدعتیق به تصویر کشیده شده است؟
- ۶- چه دلیل کتاب مقدسی برای آن وجود دارد؟
- ۷- چه تفاوتی میان اطاعت فعال و منفعل مسیح وجود دارد؟
- ۸- هر کدام از آنها چه تأثیری و نتیجه‌ای داشتند؟
- ۹- چه دیدگاه‌های متفاوتی در مورد گستره کفارہ وجود دارد؟
- ۱۰- منظور از کفارہ نامحدود چیست و چه کسانی به آن معتقد هستند؟
- ۱۱- منظور از کفارۀ محدود چیست و چه دلایل کتاب مقدسی برای آن وجود دارد؟
- ۱۲- چه اعتراضاتی نسبت با این نظریه بیان شده و چگونه می‌توان به آنها پاسخ داد؟

